

شبکه نمایش خانگی به کجا می‌رود؟

دام «شهرزاد»



بهناز شیربانی

«شبکه نمایش خانگی»: شواهد امر حاکی است که این سه کلمه هنوز تعریف مشخصی پیدا نکرده. شاید بیره نباشد اگر «شهرزاد» را توفیقی برای شبکه نمایش خانگی محسوب کرد. هرچند که پیش از آن عرضه محصولاتی چون «قهوه تلخ»، «شاهگوش»، «شوخی کردم» و... توانست طیفی از مخاطبان را با چنین سیستم پخشی آشنا کند، اما نواقصی که از این سیستم متوجه محصولات بود، ضررهایی بسیاری متوجه سازندگان این محصولات کرد. عرضه نامناسب امتحان کردند. فارغ از چگونگی استقبال از این محصولات، برای بسیاری از این کارگردان‌ها، شبکه نمایش خانگی مدیوم متفاوت‌تری است و اساسا تجربه خوبی برای آنها محسوب می‌شود. کم‌البته داوود میرباقری بعد از تجربه ساخت شاهگوش، بار دیگر با «دندون طلا»، سریالی دیگر برای عرضه در شبکه نمایش خانگی تولید کرد و این روزها در تدارک ساخت سریال دیگری است و به نظر می‌رسد دوری کوتاه‌مدت او از تلویزیون با شبکه نمایش خانگی پر شده است، اما دراین میان سریال شهرزاد به کارگردانی حسن فتحی بسیاری از معادلات شبکه نمایش خانگی را برهم زد. این سریال فارغ از قصه‌ای جذاب که مخاطبانش را در هر قسمت برای دیدن قسمت‌های بعد مجموعه ترغیب می‌کرد، با همراهی بازیگرانی که بسیاری از آنها برای نخستین بار بود که حضور در این مدیوم را تجربه می‌کردند و البته کارگردانی حسن فتحی که پیش از این نیز توانسته بود در تلویزیون سریال‌های پر مخاطبی تولید کند، توانست یکی از بهترین سریال‌های سال شود. خواست مردم برای ادامه این سریال، گروه سازنده شهرزاد را برای ساخت فصل دوم آماده کرده است. بااین حال آسبی جدی همیشه شبکه نمایش خانگی را تهدید کرده است. داندلوهای غیرمجاز یکی از اتفاقاتی است که بسیاری از تولیدکنندگان این مدیوم را با مشکل روبه‌رو کرده و تاکنون هیچ اقدام قانونی‌ای برای آن در نظر گرفته نشده و نمی‌توان رفتار آسبی اساسی برای منع داندلوه‌های غیرقانونی اندیشید. با توجه به تمامی هکاتی قوت و ضعفی که گفته شده، شبکه نمایش خانگی هنوز هم به حیاطش ادامه می‌دهد؛ مدیومی که به نظر می‌رسد تنها با ارائه محصولات باکیفیت می‌توان به مخاطبش امیدوار بود و با دست‌کم‌گرفتن این مورد، خیلی نمی‌توان به اقبال همیشگی آن امید داشت.

اسماعیل عقیقه تهیه کننده؛ نمایش خانگی در ایران حرفه نوپایی است. از اولین آثاری که با هیجان‌زدگی زیاد و امیدواری فراوانبه به کسب‌وکاری پیرورق ارائه شد، مدت زیادی نمی‌گذرد. این هیجان اولیه با عرضه نخستین کارها از جانب مطرح‌ترین چهره‌های سینمایی و تلویزیونی و با آشکارشدن موانع و مصائب در پیش‌رو به‌سرعت جای خود را به‌نوعی سِر‌خوردی، هم نزد مخاطب و هم نزد تولیدکننده داد. مخاطب شاهد سرال‌هایی شد که نیمه‌کاره رها شدند و تولیدکننده که به دلیل پیش‌بینی نکردن دست‌اندازهای بازار و بی‌توجهی همگانی به قانون حق مؤلف متضرر شده بود، براساس پند کهن بازار که «جلوی ضرر را از هرا بگیری منفعت است»، کار را متوقف کرد. تهیه‌کنندگان اولیه هیچ به تأثیر درازمدت و مخرب این عمل، یعنی سلب اعتماد مردم از این بازار نوبا توجه نکردند. باید مدتی می‌گذشت و سرمایه‌گذاران دیگری وارد عرصه می‌شدند و ریسک سرمایه‌گذاری در این بازار آشفته را به جان می‌خردند و یکی، دو سریال پرفروش عرضه می‌کردند تا بار دیگر نمایش خانگی جانی بگیرد و کورسوی امیدی را در چشم‌انداز آینده نشانمان دهد.

با تولید و عرضه سریال «شاهگوش» به کارگردانی «داوود میرباقری» و استقبال مخاطبان، سرمایه‌گذاران آن تصمیم به تولید سریالی به کارگردانی «حسن فتحی» گرفتند. سریال فتحی اما تفاوت عمده‌ای با کارهای قبل از خود داشت. «شهرزاد» داستانی تاریخی دارد و در نتیجه هزینه تولید آن نسبت به کارهای دیگر بیشتر است. در نگاه اول تولید چنین اثری در فضای شکننده تجربه موفق شاهگوش و شهرزاد نیز تولیدکنندگان خود کلیه مراحل مختلف تولید، تکثیر و توزیع اثر را انجام داده‌اند. چنین کمپانی‌هایی با کارآفرینی در حوزه‌های مختلف تجارت نمایش خانگی درصد ریسک و ضرر خود را کاهش می‌دهند.

آیا تجربه شهرزاد تکرارشدنی است؟ آیا می‌توان با ایجاد ضوابطی مشخص در زمینه عرضه و تولید، بازار امن و قابل‌تکایی برای شبکه نمایش خانگی متصور شد؟ در سطور زیر نکاتی را دراین باره به اشتراک می‌گذارم و معتقدم حوزه نمایش خانگی ارزش آن را دارد که موضوع یک پژوهش جدی و همه‌جانبه قرار بگیرد.
۱- ایران کشوری است که جمعیتی نزدیک به ۸۰ میلیون نفر در آن ساکن هستند. به‌طورکلی به نظر می‌رسد مردم ایران در شرایط معمول به فیلم و سینما علاقه زیادی دارند و در صورت عرضه کارهای جذاب می‌توان روی استقبال عمومی مردم حساب باز کرد. با یک حساب سرانگشتی می‌توان به این نتیجه رسید که آثار متوسط در شبکه نمایش خانگی - در صورت توزیع مناسب و رعایت قانون حق مؤلف - می‌تواند دست‌کم دو میلیون تیراژ داشته باشد. به این بازار بالقوه داخلی می‌توان مخاطبان مقیم خارج از کشور را نیز اضافه کرد که جمعیت قابل‌توجهی را تشکیل می‌دهند و به دلیل شرایط ویژه زندگی در خارج از کشور و غم غربت و دل‌بستگی به گویش و فرهنگ سرزمین مادری، علاقه‌مند آثار نمایش خانگی هستند. با توجه به هزینه تولید سریال در ایران چنین ظرفیتی آرزو و ایده‌آل هر تهیه‌کننده‌ای است. اما چرا این اتفاق نمی‌افتد؟
۲- در ایران قاچاق و کپی غیرقانونی فیلم‌ها یک هنجار پذیرفته‌شده است. اساسا از ابتدا عرضه فیلم‌های خارجی به صورت «سی‌دی» و «دی‌وی‌دی» توسط همین شرکت‌های موجود ویدئورسانه و بدون رعایت قانون «کپی‌رایت» انجام شد. از آنجایی که این‌گونه آثار به‌طور معمول امکان نمایش در ایران را نداشتند و از طرف دیگر رعایت‌نکردن حقوق مادی و معنوی استودیوهای متعلق به سرمایه‌داران غربی و عمدتا آمریکایی دغدغه کسی نبود و بار اخلاقی منفی نداشت، کپی و تکثیر آثار آنان نیز هیچ‌گاه نگوهش نشد. در نتیجه بازار

تبلیغات در فروش آثار نمایش خانگی نقش بسیار مهمی دارد. متأسفانه در ایران تولیدکنندگان از این امکان به‌خوبی برخوردار نیستند. هنوز صداوسیما از پخش آگهی تبلیغاتی آثار نمایش خانگی سرپاز می‌زند و مشخص نیست که با چه استدلالی این‌کار را می‌کند. برای تولید یک اثر در نمایش خانگی تمام مراحل تولیدی از پیش‌تولیدی تا تأثیرگذاری وسیع صداوسیما در جلب نظر مخاطب و ترغیب او به خرید آثار تولید داخلی محروم می‌ماند. به نظر می‌رسد این مشکل با ریزانی مدیران ارشد وزارت ارشاد و سازمان صداوسیما حل‌شدنی باشد. اگر این مانع برداشته شود، کمک زیادی به رونق بازار نمایش خانگی خواهد شد.

۶- مدتی است که صحبت از راه‌اندازی شبکه VOD برای نمایش آثار شبکه نمایش خانگی به صورت آنلاین می‌شود. باید موانع تکنیکی این کار رفع شده و امکانات تکنولوژیکی آن مهیا شده است. طبیعی است که برای راه‌اندازی حساب‌شده و مدبرانه این روش نیاز به کارشناسی‌های دقیق و بی‌طرفانه است. شاید بتوان VOD را یکی از ارکان مهم و حیاتی آینده شبکه نمایش خانگی دانست. به همین اندازه نیز ضرورت دارد که در تدوین آیین‌نامه‌ها و ضوابط مربوط به آن دقت شود.

نمایش خانگی از ابتدا بر عادی‌سازی یک امر ناهنجار بنا شد. حالا که نوبت به عرضه تولیدات داخلی بر چنین فونداسیون معیوبی رسیده، متوجه می‌شویم که جالنداختن کراهت کپی غیرمجاز تا چه اندازه دشوار است. حالا که ضرورت رعایت حق مؤلف را برای رونق تولیدات داخلی احساس می‌کنیم، بی‌برده‌ایم که عوض‌کردن ذهنیت مخاطب نسبت به کپی غیرمجاز با گذاشتن چند پیام اخلاقی توسط هنرپیشه‌ها یا کلیپی کوتاه در ابتدای فیلم‌ها امکان‌پذیر نیست.
۳- تولیدکنندگان اولین سریال‌های نمایش خانگی علت شکست آثار خود را شفاف‌نبودن توزیع‌کنندگان ذکر کرده‌اند. در واقع آنان تلویحا بیان می‌کنند که توزیع‌کننده آمار دقیقی از میزان شمارگان اثر اعلام نمی‌کند؛ به زبان دیگر و روشن‌تر اینکه توزیع‌کنندگان با پنهان‌کردن شمار دقیق تیراژ، بخش قابل‌توجهی از درآمد حاصله از فروش را به‌تهتایی صاحب می‌شوند و به این ترتیب حقوق مادی تهیه‌کنندگان را به ناقص تصاحب می‌کنند. درباره این ادعا به دلیل شفاف‌نبودن بازار با نفی و اثبات نمی‌توان اظهارنظر کرد. اما با

همکاری دوباره نغمه ثمینی و کیومرث مرادی

شد. نمایش «افسون معبد سوخته» سال ۱۳۷۹ در جشنواره تئاتر فجر شرکت کرد و جایزه بهترین بازیگر زن برای یانته پهرام، بهترین کارگردانی برای کیومرث مرادی و بهترین نمایش‌نامه برای نغمه ثمینی را به‌همراه داشت.

این نمایش سال ۱۳۸۰ در تالار چهارسوی مجموعه تئاتر شهر اجرای عمومی رفت. طراحی صحنه این نمایش را که قرار است از افسانه‌های درباره زنی که در تهتایی خود در یک

هنر



عکس: امیر حسین شجاعی

نگاهی به سازوکار کشورهای دیگر و همین‌طور تجربه سریال‌های «شهرزاد» و «شاهگوش» می‌توان ابعاد این موضوع را بیشتر روشن کرد. در کشورهای مطرح در زمینه نمایش خانگی، تولیدکننده و عرضه‌کننده اثر به‌طور معمول یک کمپانی است. یعنی کمپانی تولیدکننده، شبکه توزیع وسیعی دارد که او را از سپردن بخش مهمی از تجارت فیلم‌سازی به دیگران بی‌نیاز می‌کند. در تجربه موفق شاهگوش و شهرزاد نیز تولیدکنندگان خود کلیه مراحل مختلف تولید، تکثیر و توزیع اثر را انجام داده‌اند. چنین کمپانی‌هایی با کارآفرینی در حوزه‌های مختلف تجارت نمایش خانگی درصد ریسک و ضرر خود را کاهش می‌دهند.

۴- طبیعی است که همه تهیه‌کنندگان چنین امکان مالی گسترده‌ای در اختیار ندارند. پس راه‌حل چیست؟ در این مرحله توصیه ناکفته و نانوشته می‌تواند این باشد که شرکت‌های ویدئورسانه‌ای که امکانات تولید و تکثیر و توزیع را یک جا دارند، به فعالیت در این عرصه بپردازند و بقیه تهیه‌کنندگان بازار را به نفع آنان خالی کنند. اما پرواضح است که این نه‌تنها روشی عاقلانه نیست بلکه در درازمدت موجبات انحصار را فراهم می‌کند که جلوی خلاقیت و نوآوری را خواهد گرفت و به از‌دست‌دادن بازار منتهی خواهد شد. راه‌حل پیشنهادی دیگر می‌تواند این باشد که وزارت ارشاد سازوکار تکنولوژیکی طراحی کند که براساس آن میزان دقیق تولید و توزیع و فروش اثر قابل‌دست‌کاری نباشد تا اکتا بر آن تهیه‌کنندگان مستقل با آرامش خیال کار را بعد از آماده‌شدن به دست تکثیر و توزیع کننده بسپارند. تا زمانی که درباره میزان قیق فروش آثار تولیدی، جو بی‌اعتمادی و اختلاف نظر بین طرفین وجود داشته باشد نمی‌توانیم شاهد آرامش در این حوزه باشیم که برای رونق اقتصادی نمایش خانگی ضرورت دارد.

۵- تبلیغات در فروش آثار نمایش خانگی نقش بسیار مهمی دارد. متأسفانه در ایران تولیدکنندگان از این امکان به‌خوبی برخوردار نیستند. هنوز صداوسیما از پخش آگهی تبلیغاتی آثار نمایش خانگی سرپاز می‌زند و مشخص نیست که با چه استدلالی این‌کار را می‌کند. برای تولید یک اثر در نمایش خانگی تمام مراحل مربوط به تطابق آن با ضوابط جاری تصویب و پخش کشور طی می‌شود. درحالی‌که به نظر می‌رسد نهادهای مختلف مملکت باید در پذیرش ضوابط عمومی اتفاق نظر داشته باشند. سریال‌های شبکه نمایش خانگی از امکان استفاده از تأثیرگذاری وسیع صداوسیما در جلب نظر مخاطب و ترغیب او به خرید آثار تولید داخلی محروم می‌ماند. به نظر می‌رسد این مشکل با ریزانی مدیران ارشد وزارت ارشاد و سازمان صداوسیما حل‌شدنی باشد. اگر این مانع برداشته شود، کمک زیادی به رونق بازار نمایش خانگی خواهد شد.

۶- مدتی است که صحبت از راه‌اندازی شبکه VOD برای نمایش آثار شبکه نمایش خانگی به صورت آنلاین می‌شود. باید موانع تکنیکی این کار رفع شده و امکانات تکنولوژیکی آن مهیا شده است. طبیعی است که برای راه‌اندازی حساب‌شده و مدبرانه این روش نیاز به کارشناسی‌های دقیق و بی‌طرفانه است. شاید بتوان VOD را یکی از ارکان مهم و حیاتی آینده شبکه نمایش خانگی دانست. به همین اندازه نیز ضرورت دارد که در تدوین آیین‌نامه‌ها و ضوابط مربوط به آن دقت شود.

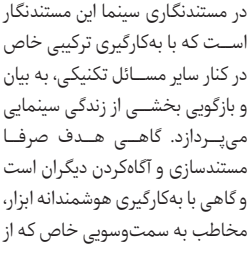
نمایش خانگی از ابتدا بر عادی‌سازی یک امر ناهنجار بنا شد. حالا که نوبت به عرضه تولیدات داخلی بر چنین فونداسیون معیوبی رسیده، متوجه می‌شویم که جالنداختن کراهت کپی غیرمجاز تا چه اندازه دشوار است. حالا که ضرورت رعایت حق مؤلف را برای رونق تولیدات داخلی احساس می‌کنیم، بی‌برده‌ایم که عوض‌کردن ذهنیت مخاطب نسبت به کپی غیرمجاز با گذاشتن چند پیام اخلاقی توسط هنرپیشه‌ها یا کلیپی کوتاه در ابتدای فیلم‌ها امکان‌پذیر نیست.
۳- تولیدکنندگان اولین سریال‌های نمایش خانگی علت شکست آثار خود را شفاف‌نبودن توزیع‌کنندگان ذکر کرده‌اند. در واقع آنان تلویحا بیان می‌کنند که توزیع‌کننده آمار دقیقی از میزان شمارگان اثر اعلام نمی‌کند؛ به زبان دیگر و روشن‌تر اینکه توزیع‌کنندگان با پنهان‌کردن شمار دقیق تیراژ، بخش قابل‌توجهی از درآمد حاصله از فروش را به‌تهتایی صاحب می‌شوند و به این ترتیب حقوق مادی تهیه‌کنندگان را به ناقص تصاحب می‌کنند. درباره این ادعا به دلیل شفاف‌نبودن بازار با نفی و اثبات نمی‌توان اظهارنظر کرد. اما با

نگاه

مستندنگاری سینما در «قاتل اهلی»

مهدی دلخواسته

پشت‌صحنه سینمای ایران همیشه برای فیلم‌سازان جذاب است. مرور عکس‌های پشت صحنه در فیلم‌های سینمای ایران در چند سال اخیر نشان می‌دهد توجه پررنگ فیلم‌سازان به این مضمون، در یک مسیر تدریجی اتفاق افتاده است. در طول زمان همواره یکی از وجوه جذاب سینما برای مخاطبان اشراف بر پشت صحنه و شرایط حاکم بر آن و مناسبات و روابطی بوده که بر این کارخانه رؤیاسازی حاکم است. درواقع تماشاگران به همان نسبت که دوست دارند به سینما بروند تا داستان و وقایع یک فیلم را ببینند، باور کنند و قانع شوند، علاقه دارند از چگونگی تبدیل‌شدن این رؤیا و داستان به واقعیت آگاه شوند. از وجه روانی، این اشراف نه‌فقط جذابیت نمایش و تصویرسازی را کم نمی‌کند، بلکه شرایطی فراهم می‌آورد تا مخاطب در عین باور بی‌واسطه جادوی سینما و همراهی با فیلم، بتوانند نگاهی فراتر از روح حاکم بر اثر به کلیت آن داشته باشند. این مهم کمک می‌کند تا مخاطبان سینما به‌تدریج حرفه‌ای و صاحب سلیقه شوند و با گذر از لایه‌های ابتدایی هر فیلم، به‌نوعی با هسته درونی و زیرلایه‌های آن ارتباط برقرار کنند. به‌این‌ترتیب است که شاید بتوان امیدوار بود مجموعه‌ای از عوامل دست‌به‌دست هم دهند تا جایگاه سینما از یک سرگرمی صرف نزد مخاطبان ارتقا پیدا کرده و به رسالت فرهنگی خود نزدیک شود. در مستندنگاری سینما این مستندنگار است که با به‌کارگیری ترکیبی خاص در کنار سایر مسائل تکنیکی، به بیان و بازگویی بخشی از زندگی سینمایی می‌پردازد. گاهی هدف صرفا مستندسازی و آگاه‌کردن دیگران است و گاهی با به‌کارگیری هوشمندانه ابزار، مخاطب به سمت‌وسویی خاص که از



نظر مستندنگار، مسیر درست محسوب می‌شود، سوق داده می‌شود. البته در مواردی که فقط به‌تصویرکشیدن واقعیه‌ها مدنظر باشد، اینکه از چه وجهی و با چه دیدی به موضوع نگریسته‌شود، نیز به انتخاب مستندنگار وابسته است. عکس‌ها سندهایی انکارنشدنی هستند. به‌همین‌دلیل عکس‌های سینمایی در سراسر دنیا، در دسته ارزشمندترین عکس‌ها شمرده می‌شوند و عکاسان سینمایی همیشه قشر قابل احترامی برای سینماگران و مردم بوده‌اند. عکاسان سینمایی مسئول رفتاری که در عکس‌ها ثبت می‌شود، هستند. آنها به‌عنوان چشم یک کارگردانی که حضور ندارد، عمل می‌کنند، تا بدون دخالت‌واژه‌ها که می‌توانند حس و برداشت بازیگران و نویسنده را نیز منتقل کنند، واقعیت را عریان، همان‌طور که هست بدون دخل‌وتصرّف به مردم نشان دهند. «قاتل اهلی» جاب مسعود کمپانیی مملو از مستندنگاری‌های نهفته‌ای است که فقط کافی است با نگاهی تیزبینانه آنها را که بین گذشته و آینده قرار دارند (حال) ثبت‌وضبط کرد. بیان واژه عکس از ایشان به جای پلان و تصویر در زمان فیلم‌برداری، خود

نظر مستندنگار، مسیر درست محسوب می‌شود، سوق داده می‌شود. البته در مواردی که فقط به‌تصویرکشیدن واقعیه‌ها مدنظر باشد، اینکه از چه وجهی و با چه دیدی به موضوع نگریسته‌شود، نیز به انتخاب مستندنگار وابسته است. عکس‌ها سندهایی انکارنشدنی هستند. به‌همین‌دلیل عکس‌های سینمایی در سراسر دنیا، در دسته ارزشمندترین عکس‌ها شمرده می‌شوند و عکاسان سینمایی همیشه قشر قابل احترامی برای سینماگران و مردم بوده‌اند. عکاسان سینمایی مسئول رفتاری که در عکس‌ها ثبت می‌شود، هستند. آنها به‌عنوان چشم یک کارگردانی که حضور ندارد، عمل می‌کنند، تا بدون دخالت‌واژه‌ها که می‌توانند حس و برداشت بازیگران و نویسنده را نیز منتقل کنند، واقعیت را عریان، همان‌طور که هست بدون دخل‌وتصرّف به مردم نشان دهند. «قاتل اهلی» جاب مسعود کمپانیی مملو از مستندنگاری‌های نهفته‌ای است که فقط کافی است با نگاهی تیزبینانه آنها را که بین گذشته و آینده قرار دارند (حال) ثبت‌وضبط کرد. بیان واژه عکس از ایشان به جای پلان و تصویر در زمان فیلم‌برداری، خود نشان‌دهنده وجود بهترین عکس‌ها (هم عکس و هم پلان) در هر میزانشسن است و اهمیت وجود عکس سینما را در گذشته، حال و آینده به اثبات می‌رساند. زیبایی‌شناسی همیشگی مسعود کمپانیی در دکوپاژ، انگیزه همه هنرپیشه‌ها، نورپردازی پخته و تحسین‌شده فیلم‌بردار، اهمیت و رسالت عکس برای تهیه‌کننده و همچنین طراحی صحنه و لباس بجا و همراهی گریم درجه‌یک، از ویژگی‌های عکس‌های فیلم «قاتل اهلی» است. «**عکاس فیلم سینمایی قاتل اهلی**

دریچه

«هنر و تجربه» در ۲ نگاه: معصومی و امیر یوسفی زندگی دوگانه فیلم‌های ایرانی

بهناز شیربانی: «آیا گروه «هنر و تجربه» کمکی به سینمای حرفه‌ای می‌کند؟ در چرخه معیوب توزیع و پخش در سینمای ایران بالاخره تکلیف فیلم‌هایی که نه کاملا متعلق به بخش دولتی و نه صددرصد متعلق به بخش خصوصی‌اند، چیست؟ اصلا تکلیف ایده‌های نو، سینمای آوانگارد و پیشرو و فیلم‌های نوجوانانه چه می‌شود؟ با اقتصاد معیوب، سالن‌های محدود، رقابیی مثل ماهواره، کج خلقی‌های تلویزیون با سینما و... چگونه می‌توان آینده روشنی برای سینمای ایران رقم زد؟» اینها سؤالات «شرق» بود، که یک سال پیش در پی دعواها و اختلافات درباره این گروه از اهالی سینما پرسیدیم. سیروس الوند، محاسن این گروه را بیشتر از معایب آن دانست و علی سرتیپی (تهیه‌کننده و پخش‌کننده سینما) گفت با توجه به فضای کم نمایشی نباید این سینماها در اختیار فیلم‌های گروه «هنر و تجربه» قرار بگیرد. چون به‌طورکلی ما در سینمای ایران تعداد محدودی سالن سینما داریم که برای نمایش فیلم‌های حرفه‌ای در آن جنگ و دعواست. جهانگیر کوثری، تهیه‌کننده سینما این گروه سینمایی را شبیه روزنه‌ای دانست که نمی‌توان از نظر اقتصادی به آن وابسته بود.

امیرحسین علم‌الهدی، رئیس شورای سیاست‌گذاری این گروه، در واکنش به نمایش برخی آثار سینمایی هم‌زمان در سرگروه سینمایی و هنر و تجربه با اشاره به اینکه تفکیک صددرصدی بین سینمای ارکان و «هنر و تجربه» به‌سختی امکان‌پذیر است، نوشت: «برخی از فیلم‌های متفاوت و برتر سینمای بدنه هم که حاوی جنبه‌های هنری و تجربی هستند و به دلیلی این امکان را دارند که جایی در ارکان گروه سینمایی «هنر و تجربه» پیدا کنند، می‌توانند در چارچوب این طرح به نمایش درآیند. با این تعریف سینمای اصغر فرهادی کارگردان «فروشنده»، محمدحسین مهدویان، کارگردان «ایستاده در غبار» و رضا درمیشیان، کارگردان «لانتوری» جزء لاینفک سینمای «هنر و تجربه» است. تجربه نمایش «ایستاده در غبار» در سینمای «هنر و تجربه» نیز باعث به‌وجودآمدن نوعی ارزش‌افزوده برای دو طرف شد. از طرف دیگر نحوه سانس‌بندی سینماهای «هنر و تجربه» برای فیلم‌هایی از قبیل «ایستاده در غبار»، «لانتوری» و «فروشنده» در تقابیل با فیلم‌های دیگر این گروه نیست و تمامی فیلم‌ها براساس قابلیت‌های خود در معرض نگاه مخاطبان قرار خواهد گرفت».

تشکیل گروه سینمایی «هنر و تجربه» از ابتدا مخالفان و موافقان بسیاری داشت. هرچند، تعداد پرشماری از اهالی سینما و مخاطبان، موافق حضور چنین گروه سینمایی برای ارکان فیلم‌هایی که به‌سختی راهی برای ارکان پیدا می‌کنند هستند، اما در این میان نکته‌ای که همیشه جایی برای صحبت درباره سیاست‌گذاری‌های این گروه سینمایی باقی گذاشته، نوع انتخاب آثار در این گروه و اساسا چگونگی اولویت‌بندی‌هاست.

معصومی: تکلیف کمی مشخص‌تر شود

خسرو معصومی، ازجمله کارگردان‌هایی است که مدتی قبل، فیلم سینمایی «تابو» را در ارکان «هنر و تجربه» داشت. او درباره انتخاب و نمایش آثار سینمایی در این گروه سینمایی به «شرق» گفت: «وقتی تصمیم گرفته شد «تابو» در گروه سینمایی «هنر و تجربه» ارکان شود، نظر مثبتی داشتم. تصور این بود که سالن‌هایی در شهرهای دیگر دارد و از این طریق می‌توان مخاطبان بیشتری را با فیلم همراه کرد، اما نحوه نمایش فیلم‌ها در سینماهای تحت اختیار «هنر و تجربه» کمی من را غافلگیر کرد. به‌هرحال معتقدم که سهم بیشتر این گروه سینمایی متعلق به جوان‌ها یا فیلم‌سازانی است که کار تجربی انجام می‌دهند. فیلم‌هایی مثل «میسرو» یا «فیچی» ... که نمونه‌های آنها در گروه هنر و تجربه کم نبوده است و این دسته از فیلم‌سازان نیاز به حمایت بیشتری دارند». او ادامه داد: «شاید دلیل نبود سانس‌های کافی برای فیلم‌ها در این گروه سینمایی به این دلیل است که ممکن است برخی از سانس‌ها خالی بماند، به نظر من گروه «هنر و تجربه» باید سالن‌هایش را پر کند. نگاه‌کنید که به محض نمایش تبلیغات فیلم‌های سینمایی در شبکه‌های ماهواره‌ای، فروش فیلم‌ها چه تغییر زیادی داشت. تبلیغات نقش اساسی در فروش فیلم ایفا می‌کند و نمی‌توان به‌راحتی از آن چشم‌پوشی کرد. در زمان ارکان «تابو» برخی از ارکان فیلم یا حتی زمان نمایش باخبر نبودند و نیاز است این بخش در هنر و تجربه تقویت شود. باید چراغ «هنر و تجربه» روشن باشد و حرف‌های من به معنی مخالفت با وجود این گروه سینمایی نیست، بلکه شیوه‌هایی است که می‌توان نتیجه بهتری از آن گرفت. «فیلم «فوشنده» اگر به‌تهتایی در گروه سینمایی‌اش ارکان شود هم فروش بسیار خوبی خواهد داشت». کارگردان فیلم سینمایی «خرس» افزود: «باید از آقای علم‌الهدی بابت زحماتی که برای این گروه سینمایی می‌کنند تشکر کرد اما نیاز است تا تکلیف کمی مشخص‌تر شود.

بسیاری معتقدند که «تابو» برای نمایش در «هنر و تجربه» مناسب نبود و می‌توانست تا سرگروه سینمایی هم ارکان شود، ای کاش آقای علم‌الهدی زمانی که قرار بود «تابو» در گروه سینمایی هنر و تجربه ارکان شود، به من می‌گفت که این فیلم برای نمایش در این گروه مناسب نیست و تأکید می‌کرد که این گروه سینمایی صرفا برای فیلم‌های تجربی است. باز هم تأکید می‌کنم که گروه سینمایی هنر و تجربه نیاز به تبلیغات گسترده دارد. باید برای این بخش هزینه شود و نیاز است هزینه‌ای شود تا تماشاچی فیلم‌ها هنر و تجربه را ببیند و یاد بگیرد که تماشاچی این نوع فیلم‌های سینمایی باشد. به‌نوعی می‌توان گفت برای تربیت سلیقه مخاطب هزینه کند. در غیر این‌صورت به فیلم‌ها اجحاف می‌شود و فکر می‌کنم به «تابو» هم اجحاف شد». محسن امیریوسفی در گفت‌وگو با «شرق» درباره رویکرد گروه سینمایی «هنر و تجربه» پس از گذشت دو سال از تأسیسش گفت: «دو سال از عمر این گروه سینمایی می‌گذرد و فرصت این را داشته‌ام تا از آزمون‌وخطاهایی رد شود و خوشبختانه نشان داد تشکیل این گروه سینمایی پس از گذشت چند دهه که فیلم‌های تجربی و متفاوت جایی برای نمایش نداشتند، اتفاق بسیار خوبی بوده است. خود من ۱۱ سال پیش برای نمایش «خواب تلخ» قصد اجاره یک سالن و حتی تک سئانس ثابت داشتم که میسر نشد ولی تشکیل گروه «هنر و تجربه» اتفاق خوبی بود و نشان داد که ارکان این‌گونه فیلم‌ها «تابو» نیست و یک فرصت برای دیده‌شدن این‌گونه فیلم‌ها در کنار سینمای تجاری و سینمای دولتی است و حتی برای تعدادی از این فیلم‌ها هم بازگشت اقتصادی خوبی وجود داشته است». او که فیلم «خواب تلخ»‌اش بعد از ۱۲ سال با استقبال چشمگیر مخاطبان «هنر و تجربه» روبه‌رو شد، ادامه داد: «در مورد موضوع ارکان فیلم‌های تجاری در گروه «هنر و تجربه» و حیات دوگانه‌داشتن این فیلم‌ها فکر می‌کنم تعداد ارکان زیادی در گروه هنر و تجربه ندارند که اگر نمایش این فیلم‌ها به این صورت باشد درست است، یعنی اصل ارکان این فیلم‌ها در گروه‌های سینمایی آزاد باشند و نمایشان در «هنر و تجربه» به‌صورت نمایان باشد تا به مخاطب یادآوری کرد که این فیلم‌ها هم جزء این گروه و هستند. ولی پیشنهاد می‌کنم در صورت امکان، ارکان «هنر و تجربه» این فیلم‌ها بعد از پایان ارکان تجاری آنها باشد، چون گروه هنر و تجربه همین الان هم با محدودیت سالن مواجه است هرچند مطمئن «هنر و تجربه» مانع از اجحاف در حق فیلم‌هایی خواهد شد که تنها در این گروه نمایش داده می‌شوند».